

متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد عزیز: دانشجوی بیست ساله هستم، سوالی که تو ذهنم هست اینه که آدم وقتی میخواهد عبور کنه از زندگی دنیوی تکراری و در باورش عبور هم می‌کنه به وسیله رشد معرفت و عقل معادش و متوجه حقیقت خودش و عالم و زمانه ای که زندگی می‌کنه (انقلاب اسلامی) میشه و تمام زندگی گذشته و حالی که داره رو بر اساس معیارهای جدیدش به زیر سوال می‌بره مثلاً که چی که من زیاد بخورم؟ چه دلیلی داره و چه کمکی به حقیقت و هدفی که در پیش دارم می‌کنه؟ یا همین طور عادت‌های دیگه و معارض با اندیشه جدیدش، اما نکته این جاست یک دفعه با بحرانی مواجهه میشه که از طرفی عادت و تعلق به گذشته داره اما باور به اندیشه جدید و در واقع وقتی به وسیله اندیشه جدیدش گذشته رو به چالش می‌کشد خود چون اول راه هست با یک چالش مواجهه میشه که برنامه چیه؟ چه کارهایی انجام باید بدم که مثل گذشته نباشم؟ اما مثل کسی که شرطی شده دائماً چون برنامه ندارم و چه فعالیت باید صبح تا شب داشته، در عمل بر می‌گردم به گذشته و زندگی یکنواخته دنیوی، خلاصه کلام این است که من نمی‌دونم به چه روشی میشه در این وادی جدید که نظر به ابدیت و حقیقت انسان دارد و بزرگان در آن قدم گذاشتن، منم بگذارم و در عمل هم از گذشته و عادت محدود عبور کنم با چه کارهایی؟ چطوری؟ بنده حقیر متناسب با اون چهار چیز که شما فرمودید که بینید ذائقه و علاقه، استعداد، نیاز مخاطب، نیاز جامعه چیه به بحث‌های طلبگی و کارهای فرهنگی و تربیتی رسیدم کلیت که با توجه به مبانی اصیل در جامعه انقلاب، کار تربیتی و فرهنگی کنم، تربیت نیرو برای جامعه، روشنگری نسبت به حقایق، دشمن شناسی و مقابله با افکار انحرافی و... انجام بدم و از همه مهم تر خود از این شهد ناب دین بچشم، به این عنوان‌هایی که عرض شد علاقه دارم و رسیدم و یک سری مسائل بیهودی هم رها کردم اما در عمل هنوز بیکارم نمی‌دونم چه باید رو غلتک افتاد، چه باید کرد؟ استاد چیزهایی می‌دونم به عمل تبدیل بشه و شروع کنیم به تلاش فقط حرف و رو کاغذ نباشه که حقیقتاً دارم خسته میشم. ببخشید زیاد شد، و اگه لطف کنید هر آنچه می‌دانید رو بگید ممنون میشم که به راهنمایی شما نیاز دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شرایط عجیبی است و گفتنی‌ها در این امر بسیار زیاد. به آینده‌ای باید فکر کرد که روح پربروزی و پس‌فردایی دارد. آینده‌ای با حضور در جهان ولی با روحیه‌ای قدسی و هنوز ما اکثراً خود را در آن تاریخ حاضر نکرده‌ایم و در چشم‌انداز خود آن آینده را نمی‌فهمیم تا مطابق حضور در

آن، خود را مجهز کنیم. تدبّر در قرآن و روایات، میدان عمیقی برای حضور در آینده می‌توانند باشند مشروط بر آن‌که با چنین رویکردی به آن‌ها رجوع شود.

در یکی از شماره‌های مقدمه کتاب «آینده دینداری ما چگونه محقق می‌شود» که هنوز در دست تهیه است؛ این‌طور عرض شد:

۹- بحث ما مربوط به حضور در جهانی است که بتوان در آینده تاریخی خود، در آن دین‌داری کرد. جهانی که بر فراز جهان مدرن و روح سکولار آن است و البته حضور در چنین جهانی زبان خاص خود را می‌طلبد، زیرا همچنان‌که فرموده‌اند: «محدوده‌های زبان ما، محدوده‌های جهان ما است» زیرا زبان ابزار نیست تا ما افکار خود را به همدیگر منتقل کنیم، بلکه تجلی روح انسان است در قالب کلمات و روح انسان‌ها در تاریخی که در آن حاضرند، می‌تواند مأوا گزیند و هستی خود را به «گفت» آورد. با توجه به این امر در این کتاب سعی شده با شما گفت‌وگویی به میان آید، تا زبانی گشوده شود برای حضور در آینده‌ی دینی و بودنی که مربوط به حضور در جهانی است بین دو جهان. موفق باشید